

متن پرسش

سلام: می‌خواستم بدانم که شخصی که عالماً و عامداً گناه می‌کند علتش چیست؟ درمان آن را نیز بفرمایید؟ حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی نیز فرموده‌اند که: ما در دستگاه بیرونی‌مان یک سلسله مجاری ادراکی داریم چشم، گوش که اینها می‌فهمند چشم می‌بیند، گوش می‌شنود. یک سلسله مجاری تحریکی داریم دست، پا اینها چیز نمی‌فهمند ولی کار می‌کنند. لامسه غیر از دست است. لامسه غیر از پاست. نیروی لامسه در تمام جرم بدن مفروش است. دست و پا سرد و گرم و مانند آن را درک می‌کنند اما حرکت برای نیروی لامسه نیست. این پا باید بدوید این کار است. خب پس ما یک سلسله نیروهایی داریم که متولیان ادراک‌اند یک سلسله نیروهایی داریم که متولیان تحریک‌اند این اصل اول. اصل دوم آن است که افراد از نظر سلامت و معیوب بودن این نیروها چهار گروه‌اند: گروه اول کسانی‌اند که هم نیروهای ادراکی اینها سالم است هم نیروهای تحریکی اینها، اگر یک مار و عقرب هست اینها کاملاً می‌بینند و کاملاً هم فرار می‌کنند فرار کردن برای پاست دیدن برای چشم است اینها هم از نظر ادراک سالم‌اند هم از نظر تحریک. گروه دوم کسانی‌اند که ادراک اینها قوی است ولی تحریک اینها ضعیف است یعنی چشمشان سالم است مار را می‌بینند، عقرب را می‌بینند، خطر را می‌بینند اما پایشان فلج است. خب این چطور فرار بکند پایش بسته است. حالا چه کسی بست مطلب دیگر است. این کسی که چشمش باز است و پای او بسته، این می‌فهمد هیچ تردیدی ندارد که این مار است و دارد می‌آید و مسموم می‌کند و می‌کشد اما نمی‌تواند فرار کند. گروه سوم کسانی‌اند که مجاری ادراکی اینها ضعیف است و مجاری تحریکی اینها قوی مثل نابیناهایی که دست و پای آنها سالم است می‌توانند بدوند اما مار را نمی‌بینند عقرب را نمی‌بینند، اتومبیلی که دارد می‌آید را نمی‌بینند. اینها از نظر ادراک محروم‌اند و از نظر تحریک سالم‌اند. گروه چهارم کسانی‌اند که از هر دو جهت آسیب می‌بینند هم معلولان اعضا و جوارح ادراکی‌اند هم معلولان اعضا و جوارح تحریکی، هم نابینا و ناشنواست هم دست و پای او فلج است. اینها چهار گروه‌اند. کاملاً بین نیروی ادراکی و نیروی تحریکی فرق است. در درون ما هم این چنین است. اگر امکان دارد راه درمان گروه دوم، سوم و چهارم را نیز استاد طاهر زاده بفرمایند. با تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هراندازه انسان خود را مشغول عالم کثرات کند و آرزوهای بلند دنیایی را در خود رشد دهد، چنان‌چه از نظر عقلی متوجه اعمال خوب باشد، اراده‌ی انجام آن اعمال را ندارد و

بسیاری از دستورات اخلاقی برای آن است که زمینه‌ی عمل به عقاید را در ما شکل دهد. آری! اگر فطرت با هوس‌ها آسیب نبیند، قدرت ادراک حقیقت در ما رشد می‌کند. و اگر انسان مشغول کثرات دنیایی نشود، قدرت تحریک و انجام اعمال صالح در او شکل می‌گیرد. موفق باشید